

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۱۷۲

شنبه ۲۹ فروردین ۱۴۰۵ و ۱۸ آوریل ۲۰۲۶



شرایط سیاسی ایران پس از جنگ

حمید تقوائی

صفحه ۳

شکست سخت حزب دست راستی حاکم در

مجارستان

کاظم نیک خواه

صفحه ۴

کارزارهای گسترده علیه اعدامها موثر و حیاتی

است

حسن صالحی

صفحه ۵

کارزار اقدام جهانی آوریل

فراخوان ۱۵۰ نهاد، حزب، سازمان و انجمن

صفحه ۶

(از مدیای اجتماعی حزب) و چند خبر کوتاه

حزب کمونیست کارگری

صفحه ۸

شکست مذاکرات، چشم انداز جنگ، چه باید کرد؟

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۹

سازماندهی کلید پیشروی علیه حکومت است

اصغر کریمی

یک سوال مبهم و حیاتی که در شرایط کنونی در ایران یعنی بعد از دیمه خونین و جنگ و اعدامها، روبروی فعالین اجتماعی و کل مردم معترض قرار دارد اینست که چگونه میشود در این شرایط با حکومت جنایتکار اسلامی به طور موثر مقابله کرد و جنبش سرنگونی را تا خلاصی از شر این حکومت فعالانه به جریان انداخت؟

این را همه میدانیم که جمهوری اسلامی در تمام دوران حیات ننگین خود سرکوب کرده، کشتار کرده، دستگیریهای هزاران و دهها هزار نفره سازمان داده و بدنبال هر کدام از این جنایات مردم با عزمی راسختر، متحدتر و رادیکالتر به میدان آمدهاند. دهه شصت دوران عروج و تثبیت حکومت بود و قتل عام اوایل دهه شصت و سال ۶۷ برای لاقول یک دهه مردم را عقب راند. اما از دهه هشتاد جامعه وارد فاز دیگری شد. اعتصابات گسترش یافت، جنبشهای اجتماعی مهمی توسط فعالین شکل گرفت، خیزشها یکی از پس دیگری اتفاق افتاد که هر چند هر بار با کشتار و دستگیریهای وسیع عقب رانده شد اما باز هم با ریتمی سریعتر و با عمق و وسعت بیشتری مردم دست به خیزش زدند، چرا که زمینهها و دلایلی که مردم را به اعتراض و اعتصاب و خیزش سوق میداد همچنان وجود دارند و این زمینهها امروز به اوج خود رسیده است و روشن است که به همین دلیل باز هم مردم دست به طغیان و خیزش میزنند تا بالاخره در نقطه ای به عمر این حکومت پایان دهند.

اکنون با حکومتی طرف هستیم که در ضعیفترین دوران خود قرار دارد. بسیاری از مقامات و بویژه رهبرش را از دست داده است. نیروهای نیابتیاش زمین گیر شدهاند و در جریان جنگ ۳۹ روزه دشمنان زیادی در منطقه پیدا کرده. در سطح جهان نیز از همیشه منزویتر است. قادر به کوچکترین تخفیفی در بحرانهای عمیق اقتصادی نیست. زندگی و تامین معاش برای مردم از قبل از جنگ بارها طاقت فرساتر شده است. در عرض کمتر از دو ماه قیمت اجناس دو برابر شده است. صدها هزار نفر کارشان را از دست دادهاند. بسیاری کارها از جمله بدلیل قطع اینترنت خوابیده و یا مختل شده است. حقوقهای بسیاری از کارگران و کارکنان مراکز دولتی پرداخت نشده است. هزاران نفر خانهها یا محل کارشان تخریب شده، هزاران نفر از عزیزان مردم کشته یا مجروح شدهاند. اینها خشم و نفرت

ادامه از صفحه ۲

ادامه از صفحه ۱

سازماندهی کلید پیشروی علیه حکومت است



اصغر کریمی

کند که ما جنگی با هیچ حکومتی جز همین حکومت تبهکار اسلامی نداریم. دشمن ما همینجا و جنگ ما همینجا است. اینها مطالباتی است که باید در سراسر کشور و توسط بخش‌های مختلف جامعه به اهتزاز درآید. این در واقع کیفرخواست جامعه علیه حکومت است. اینکار نیاز به سازماندهی دارد و نقش فعالین کارگری، معلمان، دانشجویان و غیره و تشکلهای و شبکه‌های مبارزاتی آنها تعیین کننده است. صدها هزار کارگر فولاد و نفت و رشته‌های دیگر نیز به میلیون‌ها بیکار دیگر پیوسته‌اند و می‌توانند نقش موثری در سازماندهی و هدایت اعتراضات بعهدہ بگیرند.

خارج کشور نیز بویژه از مقطع انقلاب زن زندگی آزادی، نهادها و شبکه‌های بزرگی سازمان یافته و نقش موثری در تداوم مبارزه داشته است. از جمله در حال حاضر ۱۵۰ تشکل و شبکه و حزب و سازمان حول مقابله با اعدام‌ها، برای آزادی زندانیان سیاسی و معترضین زندانی و باز شدن اینترنت متحد شده و مجموعه اقداماتی را در دستور گذاشته‌اند.

لازم است به نکته مهم دیگر یعنی همیاری نیز اشاره کنم. همیاری‌های ارزشمندی از مقطع کشتار دی‌ماه میان مردم برای کمک به هموعانشان در شهرها و مراکز مختلف شروع شده و در جریان جنگ بنظر می‌رسد گسترش یافته است. یک رکن این همیاری‌ها کمک‌های ایرانیان از خارج کشور است. اینکار را باید هر چه بیشتر سازمان داد. سازماندهی این عرصه هم از نظر انسانی اهمیت دارد و هم همبستگی و یکپارچگی زیادی علیه حکومت ایجاد می‌کند. جامعه تشنه همیاری است و به هر درجه بتوانیم باید مشکلات مردم مصیبت‌دیده را تخفیف دهیم. در هر شهر و کارخانه و اداره و دانشگاهی باید آنرا سازمان داد و توسعه داد. این بخشی از سازمانیابی جامعه برای تداوم مبارزه است.

اهرم اعتصاب

نکته مهم دیگر اعتصابات سراسری و اعتصاب عمومی است. در خیزش‌های تانکونی، بجز کردستان، مردم هنوز نتوانسته‌اند از اهرم اعتصاب عمومی و اعتصابات سراسری استفاده کنند. این اهرم از هر نظر حیاتی است. برای سرنوشتی و فلج کردن دستگاه سرکوب حیاتی است. اعتصابات سراسری و عمومی به خیزش خیابانی نیز جان تازه‌ای می‌دهد. اینرا در انقلاب ۵۷ شاهد بوده‌ایم. به موازات اعتراضات خیابانی، اعتصابات سراسری کارگران و دانشجویان، معلمان و سایر بخش‌ها باید راه بیفتد و این به سازماندهی شبکه‌های سراسری میان بخش‌های مختلف جامعه و از جمله به وجود احزابی با نفوذ توده‌ای وسیع نیاز دارد. تا جایی که به فعالین سیاسی و اجتماعی مربوط می‌شود همه آنها بر اهمیت اعتصابات سراسری و اعتصاب عمومی واقف هستند و همان‌ها هستند که می‌توانند به شکل‌گیری شبکه‌های سراسری و تشویق مردم به پیوستن به احزابی که آنها را نمایندگی می‌کنند تشویق کنند و گفتگمانی موثر در این زمینه راه بیندازند.

جامعه بشدت ناراضی است. علیرغم سرکوب‌های روزمره جامعه مرعوب نشده است. این حکومت است که از برآمد مجدد اعتراضات توده‌ای وحشت دارد. جامعه به سرعت خود را بازسازی می‌کند و در چنین شرایطی نقش فعالین، تشکلهای و نهادهای مبارزاتی موجود در سازماندهی مردم و بلند کردن پرچم مطالبات اساسی مردم علیه حکومت حیاتی است.

مردم از حکومت را صمدبار عمیق‌تر کرده است. مردم به درست عامل این جنگ را خود این حکومت می‌دانند. حکومت در روزهای عادی‌تر نیز توان تخفیفی در معضلات مردم را نداشت. اکنون این معضلات به اوج خود رسیده و حکومت ناتوان‌تر و بحرانی‌تر شده است.

اعدام‌ها، دستگیری‌ها و تهدیدات مقامات علیه مردم، چرخاندن تروریست‌های حشدالشعبی و زینبیون در خیابان‌ها، قطع اینترنت به روی مردم و ایست‌های بازرسی در مراکز زندگی مردم، همه و همه به دلیل وحشت از انفجار جامعه و برای مرعوب کردن مردم است. اما جلو انفجار دهها میلیون مردم خشمگین و معترض را نمی‌توان گرفت. جامعه در آستانه انفجار دیگری قرار گرفته است. بعد از کشتار دی‌ماه جامعه مطلقاً به حالت قبلی برنخواهد گشت. اکنون مصائب جنگ نیز به معضلات دیگر مردم اضافه شده است. حکومت در مقابل مردم بشدت ضعیف‌تر شده و از پایان جنگ وحشت دارد. می‌داند که با جنگ بزرگتری باید مقابله کند. اینجا دیگر پهباد و موشک‌باران و بستن تنگه هرمز کمکی به این رژیم نیمه‌جان نمی‌کند. رژیم کوچکترین راه حلی برای تخفیف معضلات غیر قابل توصیف معیشتی مردم ندارد. تماماً بی‌افق است و اولین تاثیر این وضعیت سر باز کردن و تعمیق شکاف‌های درون حکومت است. نارضایتی بدنه نیروی سرکوب نیز تشدید شده است. دیگر کسی مثل خامنه‌ای که نیمچه اتوریته‌ای برای جلوگیری از حاد شدن جنگ باندهای حکومتی داشت در کار نیست. در چنین شرایطی به سرعت سر و صدای مردم بلند می‌شود. جامعه به تحرک درمی‌آید. تجمعات کوچک و بزرگ در همه شهرها شروع می‌شود و در عرض مدت نه چندان طولانی به تجمعات بزرگ تبدیل می‌شود. می‌گویم به سرعت، چون مسائل متعدد مردم بسیار عاجل است و به حد غیر قابل تحملی رسیده است.

باید از همین الان خود را برای چنین شرایطی آماده کنیم. خود را هر چه بیشتر سازمان بدهیم. اولین مساله به اهتزاز درآوردن پرچم مطالبات اکثریت عظیم مردم حول مسائل معیشتی، تامین زندگی، غرامت ضرر و زیان‌های مالی و جانی مردم است. همینطور خواست آزادی زندانیان سیاسی و لغو اعدام و پایان دادن به زندان اینترنت. علاوه بر این رژیم به جای تامین زندگی مردم باز هم شروع به صرف هزینه‌های هنگفت برای بازسازی و تقویت ارگان‌های نظامی خود می‌کند. ارگان‌هایی که مایه بدبختی و بی‌حقوقی مردم بوده است. جامعه باید یکپارچه بلند شود و اعلام کند که نه اتمی می‌خواهیم نه موشکی نه نیابتی و نه پاسدار و بسیج و نه هیچ نیروی سرکوب دیگری و نه حکومتی که هر روز برای مردم مصیبت می‌آفرینند. جامعه باید اعلام

شرایط سیاسی ایران پس از جنگ



یک سوال از حمید تقوایی

انترناسیونال: آینده جمهوری اسلامی را بعد از این جنگ چگونه می بینید؟ منظور اینست که اگر این حکومت در خلال این جنگ سرنگون نشود با توجه به ضرباتی که خورده و سرانش را از دست داده است، این شرایط در موقعیت حکومت در قبال مردم چه تغییری ایجاد میکند؟

حمید تقوایی: همانطور که اشاره کردید حذف خامنه ای و لاریجانی و دیگر سران رژیم ضربه سختی به حکومت بود اما معضلات و مشکلات حکومت بسیار فراتر از این است. در اثر این جنگ وضعیت رژیم از نظر کشمکش جناح ها و بهم ریختگی صفوف حکومت، توان نظامی اش، موقعیت منطقه ای و رابطه اش با دولتهای منطقه، بحران و فروپاشی اقتصادی، و بالاخره موقعیت حکومت در جنگ با مردم، بیش از همیشه تضعیف شده و رژیم در لبه پرتگاه سقوط قرار گرفته است. مجتبی خامنه ای، "رهبر" ای که هنوز رونمایی نشده، اتوریته ای ندارد و حتی مورد قبول جناحهایی از خود حکومت نیست.

از سوی دیگر امر هویتی استراتژیک حکومت، یعنی سیاست راهبردی آمریکا-اسرائیل ستیزانه که توسط خامنه ای نمایندگی میشد و در سالهای آخر عمر او، اساسا بخاطر سقوط اسد و شکستهای متوالی نیروهای نیابتی رژیم، از جانب حتی برخی از اصولگرایان بزرگ سؤال رفته بود، اکنون با حذف خامنه ای بیش از همیشه در نزد حکومتی ها بی اعتبار میشود. این امر پارادوکس همیشگی رابطه میان غربستیزی و بقای رژیم را بیش از پیش تشدید میکند و به مرحله تعیین تکلیف میرساند.

نکته دیگر تحلیل رفتن توان نظامی حکومت هم از نظر پرسنلی و هم از نظر تسلیحاتی است. رده ای از بالاترین فرماندهان از بین رفته اند، صنایع نظامی حکومت ضربات مهلکی خورده و پدافند هوایی رژیم، که تنها نمونه "قدر قدرتی" اش ساقط کردن هواپیمای مسافربری در دیماه ۹۶ بود، کارائی خود را تماما از دست داده است. جبران این ضربات، حتی اگر آتش بس فعلی دوام بیاورد و این مرحله از جنگ خاتمه بپذیرد، مستلزم زمان طولانی و بودجه هنگفتی است که رژیم هیچیک را ندارد.

از نظر شرایط منطقه ای دولتهای عربی که بسیاری از آنان قبل از جنگ رابطه حسنه و لااقل غیر خصمانه ای با جمهوری اسلامی داشتند، اکنون به دشمن رژیم تبدیل شده اند. بنا به گزارش خبرگزاری آنا توتلی جمهوری اسلامی در طی جنگ ۳۹ روزه، و حتی پس از آتش بس، دست کم با ۶ هزار و ۴۱۳ موشک و پهپاد، و همچنین در یک مورد با دو جنگنده، کشورهای امارات متحده عربی، اردن، بحرین، عربستان سعودی، عمان، قطر و کویت را هدف قرار داده است. "این حکومتها اکنون تامین امنیت و بقای خود را در گرو سقوط رژیم حاکم در ایران میدانند و این امر جمهوری اسلامی را بیش از پیش در منطقه منزوی میکند و تحت فشار قرار میدهد. این انزواء با انسداد تنگه هرمز از جانب رژیم در هفته آخر جنگ و تا امروز، هم در سطح منطقه و هم در سطح جهانی برماتب تشدید شده است. کلا مساله تنگه هرمز یک بار دیگر به جهانیان نشان داد که حکومت اسلامی در ایران قابل تحمل نیست و بخاطر تضمین آزادی کشتیرانی و جلوگیری از تشدید بحران اقتصادی جهانی هم که شده باید از شر این حکومت خلاص شد.

از لحاظ اقتصادی نیز جنگ اخیر ضربات مهلکی به اقتصاد نیمه جان و فی الحال رو به فروپاشی حکومت وارد کرده است. شاخصهای اقتصادی نظیر نرخ تورم، بیکاری و بیکارسازی، رکود اقتصادی، سقوط ارزش ریال، گسترش فقر و فلاکت، بی آبی و بی برقی، و بالاخره آلودگی و تخریب محیط زیست، یعنی تشدید مسائل و مشکلاتی که قبل از جنگ نیز اقتصاد جمهوری اسلامی را در آستانه فروپاشی قرار داده بود، همگی حاکی از تعمیق و گسترش ابر بحران اقتصادی رژیم و وخیم تر شدن وضعیت معیشتی توده مردم است.

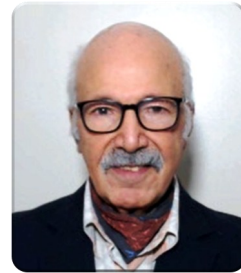
هم اکنون اقلام غذایی نظیر لبنیات و گوشت تا ۱۴۰ درصد افزایش قیمت داشته اند و تحلیلگران هشدار می دهند که "با تداوم وضعیت فعلی، یا دستیابی به آتش بس بدون توافقی جامع برای رفع تحریم ها، نرخ تورم سالانه ممکن است تا سطح ۱۲۰٫۵ درصد، و تورم نقطه به نقطه تا ۱۴۱٫۳ درصد در پایان سال برسد. چنین ارقامی به معنای کاهش شدید قدرت خرید خانوارها و افزایش شکاف طبقاتی خواهد بود."

فاکتور اقتصادی مخرب دیگر انسداد ۴۸ روزه اینترنت است. این ثمره مستقیم سیاستهای سرکوبگرانه حکومت است که نتایج فاجعه بارش از زندان اینترنتی فراتر میرود و از نظر اقتصادی نیز بیکاری و رکود و بی تأمینی و فقر را برماتب تشدید میکند. بنا به آمار خود رژیم خسارت ناشی از قطع اینترنت ۸۰ میلیون دلار در روز است و این یعنی قطع اینترنت تا همین جا بیش از ۳ میلیارد دلار خسارت وارد کرده است. بخش عمده این خسارات به میلیونها خانواده ای وارد میشود که بطور مستقیم و یا غیر مستقیم از طریق اینترنت معاش خود را تامین می کرده اند. به این شرایط باید خسارات مالی مستقیم به مردم لطمه دیده از جنگ و همچنین تشدید مسائل و مشکلات معیشت همیشگی مردم نظیر کمبود آب و برق و گاز، کمبود دارو و مایحتاج اولیه زندگی، کمبود دارو و مایحتاج اولیه زندگی، آلودگی شدید هوا و محیط زیست، و غیره و غیره را نیز افزود.

جامعه چنین شرایطی را تحمل نخواهد کرد. بعد از جنگ ۱۲ روزه شرایط معیشتی چنان غیر قابل تحمل شد که به اعتصاب بازاریان، اعتصاب دانشجویان، اعتصاب در کردستان، و سرازیر شدن میلیونها نفر در صدها شهر به خیابانها منجر شد. رژیم با کشتار خونین ۱۸ و ۱۹ دیماه به این خیزش توده ای پاسخ گفت اما نتوانست جامعه را مرعوب و خاموش کند. مردم مراسمهای خاکسپاری عزیزانشان و چهلم ها را به تجمعات اعتراضی تبدیل کردند. حتی در دل جنگ اخیر نیز رقص و شادی خیابانی مردم پس از هلاکت خامنه ای و تداوم سه شبانه های اعتراضی علیه اعدام نشان داد که مردم در زیر بمباران نیز فراموش نکرده اند که "دشمن ما همین جاست".

مردم بدرست مسئول همه مصائب و مسائل خود، از جمله خسارات و لطمات ناشی از جنگ را، جمهوری اسلامی و سیاستهای جنگ افروزان این رژیم آدمکش میدانند. اکنون جبران خسارت ناشی از جنگ و بویژه آزاد کردن اینترنت و مقابله با سیاستهای جنگ افروزان حکومت، نیز در کنار مبارزه همیشگی علیه بیکاری و گرانی و برای تامین معیشت، برای لغو اعدام و توقف بازداشتها گسترده، و برای آزادی زندانیان سیاسی به اهداف مبارزاتی توده مردم و احزاب آزادیخواه و نهادهای اعتراضی شکل گرفته در دل جنبش زن زندگی آزادی اضافه شده است. اما اینها صرفا مطالبات مردم نیست، بلکه عرصه های تعرض برای بزرگکشدن حکومت است. نتیجه جنگ و آتش بس جاری هر چه باشد، جامعه ایران آستان یک خیزش توده ای بنیان کن است. کشتار هزاران نفره دیماه نتوانست جنبش اعتراضی مردم را مهار کند، تلاشهای سرکوبگرانه حکومت ضربه خورده از جنگ اخیر نیز به طریق اولی نخواهد توانست.

شکست سخت حزب راستی حاکم در مجارستان



کاظم نیکخواه

با شکست اوربان خیابانهای بوداپست مملو از جشن شد؛ جشنی که تمام شب ادامه داشت. صدای بوق خودروها، فریادهای شادی، و شعارهایی مانند "تیسرا در حال پیشروی برق آساست" و "فیدس" کثیف" در شهر طنین انداخته بود.

شادی‌ها زمانی شدت گرفت که روشن شد تیسرا نه فقط پیروز شده بلکه به اکثریت فوق‌العاده بالایی دست یافته است؛ اکثریتی که به آن‌ها اجازه می‌دهد قانون اساسی‌ای را که فیدس در سال ۲۰۱۰ با اکثریت مشابه تصویب کرده بود، اصلاح یا حتی بازنویسی کنند. مردم تابلوهای تبلیغاتی اوربان را از جا می‌کنند و نشانه‌های حزب فیدس را پایمال می‌کردند. حس رهایی از فضای نفرت‌انگیز راست افراطی که مجارها را خفه کرده بود، کاملاً محسوس بود.

رسانه‌های «عمومی» تحت کنترل اوربان با نزدیک شدن انتخابات، هرچه بیشتر از حالت معمول خارج شده و با داستانهای هیستریک علیه رقیب اوربان وحشت پراکنی می‌کردند. آن‌ها هشدار می‌دادند که در صورت پیروزی فیدس، تکیتراندازان و اپراتورهای پهلپاد اوکراینی برای کشتن مردم و به قدرت رساندن تیسرا وارد عمل خواهند شد. تبلیغات آن‌ها به سطحی از هیستری رسید که با ماشین رسانه‌ای پوتین قابل مقایسه است. و این تصادفی نیست، زیرا شواهد نشان می‌دهد که

یک رویداد خوشحال‌کننده و امید بخش در این هفته شکست سخت ویکتور اوربان نخست وزیر فاشیست و حزب دست راستیش "فیدس" بود. در انتخابات ۱۲ آوریل ویکتور اوربان و حزب دست راستی فیدس شکست سختی را متحمل شد و از میان ۱۹۹ کرسی تنها ۵۶ کرسی را نصیب خود کرد و حزب تیسرا، حزب پیتر مگیار رقیب او که یک چهره راست میانه و طرفدار اتحادیه اروپاست توانست ۱۳۶

کرسی یعنی بیش از دو سوم آرا را نصیب خود کند. شکست سنگین حزب راست‌گرای «فیدس» به رهبری ویکتور اوربان، نه تنها معادلات داخلی این کشور را تغییر داده، بلکه پیامدهای گسترده‌تری برای آینده جریان‌های راست افراطی در اروپا و حتی روابط بین‌المللی به همراه دارد.

ویکتور اوربان، نخست‌وزیر راست‌گرا و خودکامه مجارستان از ۱۶ سال پیش یعنی از سال ۲۰۱۰، در قدرت بود و قانون اساسی و بسیاری از قوانین این کشور را به نفع جریان‌های راست و فاشیست و علیه کارگران و پناهندگان و مردم محروم تغییر داد.

شکست اوربان یک شکست مهم هم برای ترامپ و هم پوتین است. در انتخابات اخیر جی دی ونس معاون ترامپ به مجارستان رفت و برای اوربان تبلیغ کرد و به مردم فراخوان داد که به او رای دهید و کنار اوربان بایستید. ترامپ وعده داد که اگر اوربان پیروز شود در مجارستان سرمایه‌گذاری‌های کلانی خواهد کرد. پوتین نیز تلاش بسیاری که کرد اوربان در انتخابات برنده شود. رسانه‌های رسمی روسی تبلیغات و شایعات و داستانهای زیادی به نفع اوربان و علیه رقیب او منتشر کردند. اما با فاصله گرفتن وسیع‌ترین بخش‌های مردم از سیاست‌های راست افراطی، این تلاش‌ها همه به شکست مفتضحانه‌ای انجامید. پیروزی پیتر مگیار در عین حال یک پیروزی برای اتحادیه اروپاست که بارها بر سر مسائل مختلف با اوربان درگیر شده بود.



مشاوران روسی به اوربان در تلاش برای پیروزی کمک می‌کردند. اوربان طی شانزده سال حکومت خود قانون اساسی را تغییر داد و فساد مالی و اداری و جنسی. زیادی علیه او افشا شد. علاوه بر رسوایی‌های بسیار، طی حکومت او از کمک‌ها و خدمات عمومی برای اکثریت مردم تا حد زیادی زده شد.

شکست اوربان در عین حال یک ضربه به راست افراطی در کشورهای دیگر اروپایی به ویژه فرانسه و ایتالیا است و میتوان امیدوار بود که این شکست، در انتخابات‌های دیگر کشورها نیز تکرار شود. اما واقعیت اینست که برای عقب راندن همه جانبه جریان‌های راست افراطی در اروپا تحولاتی پایه‌ای تر از نظر تقویت سنت دفاع از ارزش‌های پیشرو و انسانی، دفاع از پناهندگان و مهاجرین، دفاع از رفاه اجتماعی، و همچنین عقب راندن کامل فاشیسم و تروریسم اسلامی که بهانه به دست نژاد پرستان می‌دهد، مورد نیاز است.

انسانی به جامعه نشان داده می‌شود، افکار عمومی حساس‌تر شده و فشار بیشتری برای توقف اجرای احکام اعدام شکل می‌گیرد. نکته دوم، اهمیت همبستگی و همراهی گسترده‌تر نیروهای اجتماعی و سیاسی است. تجربه نشان داده است که هرچا صدای اعتراض گسترده‌تر و متحدتر بوده، امکان عقب‌نشینی حکومت نیز افزایش یافته است.

در همین راستا، باید بر اهمیت صدور بیانیه از سوی نهادهای مردم‌نهاد در محکومیت اعدام‌ها تأکید کرد. این بیانیه‌ها در واقع کیفرخواست یک جامعه علیه این قتل عمد دولتی هستند و از اهمیت بالایی برخوردارند.

همچنین باید به سر زدن به خانواده‌های محکومان به اعدام و اعلام حمایت از آنان اشاره کرد؛ اقدامی که به‌نوبه خود نشان‌دهنده تقویت حلقه‌های اتحاد و همبستگی در میان ماست.

همچنین نقش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در این میان بسیار کلیدی است. بازتاب دادن این موارد می‌تواند توجه افکار عمومی جهانی را جلب کرده و هزینه‌های سیاسی چنین اقداماتی را برای حکومت افزایش دهد.

در نهایت، باید تأکید کرد که مبارزه علیه اعدام، مبارزه‌ای انسانی و جهانی است و نیازمند تداوم، پیگیری و مشارکت هرچه بیشتر مردم و نهادهای مختلف است.

جمهوری اسلامی با بکارگیری شدیدترین درجه از خشونت دولتی از اعدام گرفته تا قتل عام وحشیانه دیماه ۱۴۰۴ نتوانسته است صدای اعتراض مردم را خاموش کند. تهدیدهای مکرر سران حکومت به اجرای احکام اعدام برای زندانیان و نمایش خیابانی نیروی‌های تروریستی چون حشد الشعبی و فاطمیون در شهرهای مختلف برای ایجاد فضای رعب و وحشت نیز قادر نخواهد این رژیم را از خشم و نفرت مردم نجات دهد. این رژیم در جریان جنگ اخیر ضربات سیاسی و نظامی سنگینی متحمل شده و بیش از هر زمان دیگری در برابر مردم متحد، ضعیف و آسیب‌پذیرتر شده است. قدرت متحد مردم می‌تواند به توقف اعدام‌ها در ایران و در نهایت به تغییرات اساسی در ساختار حاکمیت منجر شود.

کارزار اقدام جهانی آوریل

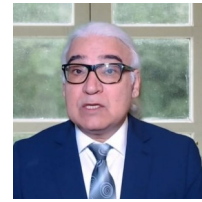
این کارزار از روز ۱۱ آوریل آغاز شده و تا ۲۶ آوریل ۲۰۲۶ ادامه خواهد داشت تاکنون با حمایت بیش از ۱۵۰ نهاد، شبکه مبارزاتی، سازمان و احزاب سیاسی همراه بوده است. علاوه بر این، گروه‌هایی از داخل ایران نیز حمایت خود را از این کارزار اعلام کرده‌اند.

سه خواست محوری این کارزار عبارت‌اند از: توقف اعدام‌ها و لغو مجازات اعدام، آزادی زندانیان سیاسی و معترضین بازداشتی و دسترسی آزاد مردم ایران به اینترنت

تاکنون در ۱۳ کشور و ۲۵ شهر جهان برنامه‌هایی در حمایت از این کارزار برگزار شده یا در حال برگزاری است و هر روز شهرهای بیشتری به این حرکت می‌پیوندند.

فراخوان اقدامات جهانی برای توقف اعدام‌ها و آزادی زندانیان سیاسی در ایران پیوندید
۱۱ تا ۲۶ آوریل ۲۰۲۶

کارزارهای گسترده علیه اعدام‌ها موثر و حیاتی است



یک سوال از حسن صالحی

انترناسیونال: جمهوری اسلامی در خلال جنگ با اسرائیل و امریکا شماری از معترضین را اعدام کرد و برای بسیاری دیگر احکام اعدام صادر شده است. فکر میکنید راه موثر مقابله با اعدام چیست و مردم چه باید بکنند؟

حسن صالحی: در حال حاضر کارزاری با هدف توقف اعدام‌ها و لغو مجازات ضد انسانی اعدام، همچنین آزادی زندانیان سیاسی و معترضان بازداشت‌شده و دسترسی مردم ایران به اینترنت آزاد در جریان است که باید آن را اقدامی مؤثر دانست. این کارزار به‌طور پی‌سابقه‌ای توانسته است حدود ۱۵۰ نهاد، شبکه مبارزاتی، حزب و سازمان سیاسی را در یک اقدام متحدانه حول این سه خواست گرد هم آورد. بسیاری از احزاب اپوزیسیون ایران از این کارزار حمایت کرده‌اند و شاید بتوان گفت که برای نخستین بار در چنین ابعادی، در کنار سازمان‌های حقوق بشری قرار گرفته‌اند.

با وجود آنکه سرکوب و خفقان در سایه جنگ تشدید شده و جمهوری اسلامی از اواخر اسفند سال گذشته ۱۴ زندانی سیاسی و معترض بازداشتی را اعدام کرده است، نفس وجود جنگ و فضای جنگی سایه سنگین خود را بر این جنایات انداخته و همه‌چیز را تحت‌الشعاع قرار داده است. بنابراین، پیش از هر چیز باید موارد سرکوب و اعدام توسط جمهوری اسلامی و همچنین سایر موارد نقض حقوق مدنی مردم ایران را به مرکز توجه راند. این دقیقاً همان کاری است که در کارزاری که به آن اشاره کردم، در حال انجام است.

این کارزار که از ۱۱ آوریل آغاز شده و تا ۲۶ آوریل ۲۰۲۶ ادامه خواهد داشت، با استقبال خوبی روبه‌رو شده است. تاکنون در ۱۲ کشور و ۲۳ شهر مختلف جهان برنامه‌های متنوعی، که عمدتاً شامل آکسیون‌های خیابانی است، برگزار شده یا در حال برگزاری است. هر روز نیز شهرهای بیشتری به این کارزار می‌پیوندند. خوشبختانه جمع‌هایی از ایران هم از این کارزار حمایت کرده‌اند که من اینجا نام آنها را می‌برم. جمعی از فعالین زن زندگی آزادی در دزفول، جمعی از فعالین زن زندگی آزادی در اندیمشک، انجمن دفاع از محیط زیست در اصفهان، جمعی از کارگران نفت در عسلویه، جمعی از معلمان شاغل و بازنشسته در شیراز، بازنشستگان مطالبه‌گر در اراک، جمعی از مادران دادخواه دیماه خونین، کارزار دفاع از کادر درمان زندانی و جمعی از خانواده‌های بازداشت‌شدگان دیماه.

می‌خواهم تأکید کنم که همین کارزار یکی از شیوه‌های مؤثر مبارزه علیه اعدام است. اجازه بدهید به چند نکته مهم دیگر نیز اشاره کنم. نخست اینکه خانواده‌های محکومان به اعدام می‌توانند نقش بسیار مهمی در نجات عزیزان خود ایفا کنند. این نقش از طریق رسانه‌ای کردن پرونده این محکومان تحقق می‌یابد؛ به این معنا که نام و مشخصات آنان، همراه با تصاویر و روایت بازداشت و زندگی‌شان، باید به رسانه‌ها کشیده شود.

پشت هر حکم اعدام، یک انسان قرار دارد؛ انسانی با زندگی، خانواده، آرزوها و داستانی که نباید نادیده گرفته شود. وقتی این چهره

ادامه از صفحه ۶

کارزار اقدام جهانی آوریل

28. انجمن «ندای ایران»
29. ائتلاف برای حقوق اقلیت ها
30. ائتلاف مستقل برای ایران آزاد (IAFI)
31. ایران آزاد سوییس
32. ایران پروتست مالمو
33. ایران پروتست هلسینگبوری
34. ایران سولیدراتی- گرونوبل- فرانسه
35. برابری برای همه
36. برمش- صدای زنان بلوچستان
37. بنیاد حقوق بشر بلوچستان
38. بنیاد راه ستار بهشتی
39. بنیاد کیان
40. پزشکان ایرانی-کانادایی حامی حقوق بشر
41. پلتفرم دموکراتیک فرمالیتی زنان
42. تشکل انقلاب زنانه
43. تلاشگران راه آزادی ایران
44. جامعه آزاد زنان شرق کردستان _کزار
45. جبهه ائتلاف نجات ایران(جانا)
46. جبهه متحد بلوچستان- ایران (جمهوریخواهان)
47. جبهه مردم بلوچستان
48. جمعیت حقوق بشر آذربایجان(آرک)
49. جنبش مادران پارک لاله فرزنی
50. جوانان آزادیخواه یارسان
51. چالش صنفی معلمان ایران
52. حزب اتحاد بختیاری و لرستان
53. حزب تضامین دموکراتیک اهواز
54. حزب چپ ایران-هلند
55. حزب چپ ایران- اتریش
56. حزب حیات آزاد کردستان(پژاک)
57. حزب دموکرات کردستان ایران
58. حزب دموکرات مسیحی ایران
59. حزب دموکراتیک یارسان
60. حزب سبزه های ایران
61. حزب کمونیست ایران
62. حزب کمونیست کارگری ایران
63. حزب کومله کردستان ایران
64. حزب مردم بلوچستان
65. دادخواهان کردستان
66. دادخواهان ایران
67. دماوند
68. دیدبان حیات: شبکه درمانگران حقوق بشر ایران
69. رادیو پیام
70. رویش
71. زمین: توانمند سازی فراگیر درمانی
72. زن، زندگی، آزادی مونیک
73. زن، زندگی، آزادی برای صلح و عدالت
74. سازمان آسوی زن کورد زنان کومهله
75. سازمان جوانان کمونیست
76. سازمان حق زن
77. سازمان حقوق بشر ایران
78. سازمان حقوق بشر برای ورزش
79. سازمان حقوق بشر هانا

ما، امضاءکنندگان این فراخوان، از همه ایرانیان ساکن خارج از کشور، فعالان، انجمن ها و نهادهای مدافعان حقوق بشر، و همچنین تمامی احزاب و گروه های سیاسی دعوت می کنیم تا متحد شده و برای تحقق خواسته های فوری مردم ایران به میدان بیایند.

مطالبات فوری ما:

- توقف فوری تمامی اعدام ها و لغو مجازات اعدام
- آزادی فوری تمامی بازداشت شدگان و زندانیان سیاسی
- دسترسی فوری مردم ایران به اینترنت آزاد.

ما پیشنهاد می کنیم در فاصله ۱۱ تا ۲۶ آوریل ۲۰۲۶، اقداماتی از جمله تحصن، تظاهرات، پرفورمنس های خیابانی، دیدار با نمایندگان پارلمان ها، دولت ها، احزاب سیاسی، اتحادیه های کارگری، سازمان های مترقی و رسانه ها، و هرگونه فعالیت مؤثر دیگر برای رساندن صدای مردم ایران به جامعه جهانی برگزار شود.

اکنون زمان همبستگی و اقدام است.

برای توقف اعدام ها، آزادی زندانیان سیاسی و دسترسی آزاد به اینترنت، به این حرکت بپیوندید.

دبیرخانه فراخوان آوریل ۲۰۲۶

لیست امضا کنندگان به ترتیب حروف الفبا:

1. اتحاد برای زن، زندگی، آزادی استکهلم
2. اتحاد برای پایان بخشیدن به اعدام ها در ایران
3. اتحاد زنان چپ
4. اتحادیه زنان دموکرات کردستان ایران
5. اتحادیه دموکراتیک زنان کوردستان ایران
6. اتحاد زنان کردستان
7. اتحادیه رفاه، صلح، عدالت و آزادی مردم ایران
8. اتاق فکر اپوزیسیون ایران
9. آزادانه
10. استقلال و برابری پایدار زنان(وایز)
11. انجمن ایرانی دفاع از حقوق بشر در اسپانیا
12. انجمن ایرانیان علیه اعدام- سوئد
13. انجمن بین المللی حقوقدانان متخصص و کنشگران سیاسی

ایران در برون مرز

14. انجمن پروژه دموکراتیک کردستان ایران
15. انجمن پژوهشگران ایران
16. انجمن جنبش زن، زندگی، آزادی فلورانس - ایتالیا
17. انجمن زن، زندگی، آزادی گراتس
18. انجمن زن، زندگی، آزادی نورنبرگ
19. انجمن زن زندگی آزادی درآلمان - فرانکفورت
20. انجمن زنان آزاده ایرانی
21. انجمن زنان ایرانی - آلمانی کلن
22. انجمن زندانیان سیاسی کردستان ایران
23. انجمن ژینا برای برابری زنان و حقوق جنسیتی
24. انجمن فرهنگی پیوند استکهلم، سوئد
25. انجمن فرهنگ دموکراسی و جمهوری خواهی-اتریش
26. انجمن مانا میلان - ایتالیا
27. انجمن مجروحان و دادخواهان قیام ژینا

ادامه از صفحه ۶

124. کمپین "نه به اعدام، آری به زندگی آزاد"
125. کمیته آزادی زندانیان سیاسی در ایران
126. کمیته بین المللی علیه اعدام
127. کمیته بین المللی حزب سرخ نروژ
128. کمیته پشتیبانی از جنبش دموکراتیک مردم ایران در مینه
129. کمیته دفاع برای آزادی و دموکراسی در ایران
130. کنشگران حقوق بشر ایران
131. گروه زن زندگی آزادی - لندن
132. کنگره مشترک جمهوری خواهان دموکرات و فدرال دموکرات
133. کنگره ملیت های ایران فدرال
134. کومله زحمتکشان کوردستان
135. گروه ایران فردا مسئولیت امروز از استرالیا
136. گروه ایرانیان جمهوری خواه استرالیا (یار)
137. گروه پلاتفرم اسلو نروژ
138. گروه حقوق بشر بلوچستان
139. گروه زن، زندگی، آزادی گوتنبرگ سوئد
140. گروه ۲۵ شهریور
141. مدافعان حق کودکی در ایران
142. مرکز حقوق بشر زاگرس
143. نهاد آرشو قضایی ایران
144. نهاد انسان آزاد
145. نهاد خانه ایران
146. نهاد نه به تابو نه به خشونت علیه زنان
147. نهاد همبستگی جمهوری خواهان برای سرنگونی جمهوری
148. همبستگی برای دموکراسی در ایران
149. همبستگی بین المللی برای صلح
150. همبستگی فراگیر برای آزادی و برابری در ایران
80. سازمان حقوق بشری رونی ماف
81. سازمان زنان خهبات کوردستان ایران
82. سازمان زنان کوردستان ایران
83. سازمان شیوار
84. سازمان اتحاد فدائیان خلق
85. سازمان صلح طاهری
86. سازمان کوردستان حزب کمونیست ایران
87. سازمان مردمی گرمانج (کردهای خراسان)
88. سازمان ماموریت حیات تازه خاورمیانه
89. سازمان هانای روز هه لات
90. سولیداریتی ایرانیان ونکوور
91. شبکه ایرانیان اسن
92. شبکه جهانی برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران
93. شبکه جهانی کانال ۲
94. شبکه جهانی برای زن، زندگی، آزادی
95. شبکه زن، زندگی، آزادی بلژیک
96. شبکه فراگیر زن، زندگی، آزادی برای تشکیل شورای هماهنگی و رهبری (ایران آترناتیو)
97. شبکه ندای زاگرس
98. شبکه وکلای یک کلمه
99. شبکه همکاری های جنبش زن، زندگی، آزادی در ایتالیا
100. شبکه همبستگی برای حقوق بشر در ایران
101. شش رنگ (شبکه LGBTQ+ ایران)
102. شورای آزادیخواهان سوسیالیست
103. شورای برگزاری آکسیون های مشترک در هلند
104. شورای براندازی
105. شورای ملی اهل سنت ایران
106. شورای همکاری ترکمن صحرا
107. شورای همکاری بلوچستان
108. شورای همبستگی بین المللی زنان
109. شورای همبستگی برای حقوق بشر در ایران
110. صدای ایران
111. کادر درمان برلین برای حقوق بشر و دموکراسی (Berlin)
112. کارزار جهانی نه به اعدام در ایران
113. کارزار علیه اعدام در ایران- لندن
114. کانون حامیان عدالت
115. کانون خاوران
116. کانون سیاسی فرهنگی آذربایجان
117. کانون فرهنگ و هنر کالیفرنیا
118. کمپین برای آزادی کارگران زندانی
119. کمپین برای آزادی (زندانیان سیاسی و عقیدتی)
120. کمپین توقف قتل های ناموسی
121. کمپین دختران دادخواه
122. کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی
123. کمپین نجات زندانیان سیاسی و محکومین به اعدام
- حمایان اقدام جهانی آوریل از ایران:
- جمعی از فعالین زن زندگی آزادی در دزفول
- جمعی از فعالین زن زندگی آزادی در اندیمشک
- انجمن دفاع از محیط زیست در اصفهان
- جمعی از کارگران نفت در عسلویه
- جمعی از معلمان شاغل و بازنشسته در شیراز
- بازنشستگان مطالبه گر در اراک
- جمعی از مادران دادخواه دیماه خونین
- کارزار دفاع از کادر درمان زندانی
- جمعی از خانواده های بازداشت شدگان دیماه
- این لیست هر دو روز یکبار به روز میشود
- تلفن تماس :
- 393894732871+
- تماس از طریق تلگرام:
- NoToExecutions_Tamas@
- FreePoliticalPrisoners@

اعدام قتل عمد دولتی هست

دریافت آن امتناع کرده و آن را بازگرداندند.

اعتراض کلامزدها علیه عدم افزایش دستمزدها طبق گزارشات کارگران برق معروف به کلاه زردها صدای اعتراض خود را رسانه ای کرده و علام کردند که «بعد از چهل روز کار در شرایط سخت جنگی، حقوقشان افزایش پیدا نکرده و سازمان توانیر دستور داده دستمزد فروردین اپراتورها براساس احکام سال قبل پرداخت شود. کارگران برق قوی یک بخش معترض از جنبش کارگری هستند که در همین رابطه و در اعتراض به قراردادهای موقت کاری خود بارها تجمع و اعتراض داشته اند.

افزایش تحقیر آمیز دستمزدها

طبق گزارش‌های کمیته‌های حداقل‌بگیران سال گذشته از فروردین امسال ماهی ۱۸ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان خواهد بود و حداقل دریافتی بازنشسته‌های کشوری و لشکری که ۹۰ درصد حقوق کارکنان دولت است در فیش حقوقی فروردین عددی معادل ۱۶ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان خواهد بود. طبق همین گزارشات حداقل دستمزد کارگر مجرد و بدون سابقه ۲۱ میلیون و ۸۲۵ هزار تومان خواهد بود. تعیین چنین سطحی از مزد برای کارگران و بازنشستگان و مزد بگیران جامعه یک تعرض بزرگ معیشتی است. در حالیکه نرخ تورم و گرانی‌های نجومی افزایش یافته و صندوق جهانی پول نرخ تورم در ایران را با تورم در زمان جنگ جهانی دوم مشابه می‌خواند و در حالیکه در سال گذشته بحث بر سر رسیدن نرخ سبد معیشتی، به بالای شصت میلیون بود اکنون با بدتر شدن وضع اقتصاد کشور تعیین چنین سطح از مزد اعلام یک جنگ آشکار به کارگران و کل جامعه است. کارگران و مردم در برابر این سطح از تعرض به معیشت خود خواهند ایستاد. جنبش بر سر معیشت امروز جنگی است علیه جمهوری اسلامی که در امتداد انقلاب زن زندگی آزادی قرار دارد.

شکست مذاکرات ادامه از صفحه ۹

که بدنبال هر بمب و موشکی بر سر مردم فرود آمد نگاه کنید. کافی است به تلاش سراسیمه رژیم برای آوردن اوباش حشدالشعبی و زینبیون به خیابان‌ها و نمایش پر سر و صدای آن دقت کنید. همینطور کافی است به رقص سوگ مردم بر مزار عزیرانشان پس از کشتار دیماه و همچنین شادی خیابانیشان پس از هلاکت خامنه ای توجه کنید. کافی است به همیاری و همکاری وسیع مردم در طول جنگ و به منظور تخفیف دادن مصائب آن دقت کنید. به کمک‌های پزشکی و به رسیدگی به کسانی که قادر به تامین خود نیستند. کافی است به جنبش ادامه‌دار سه شنبه‌های نه به اعدام حتی در دل جنگ نظر افکنید. این‌ها همه نشانه‌های حضور و تداوم و قدرت انقلابی ریشه‌دار است و مردمی انقلابی که در مهلکه موشک‌ها و بمب‌ها و افسوس از خرابی‌ها و جان‌های عزیزی که از دست رفت، کشته‌های قاتلان و جانبان حاکم بر ایران را با خوشحالی می‌شمارد تا به وقت مناسب با قدرت به خیابان برگردد و رژیم اسلامی را برای همیشه به گورستان تاریخ بسپرد و جهانی را از شر تروریسم اسلامی رها کند. این انقلاب در مقابل این جنگ و جهنمی که برپا شد عقب ننشست بلکه آبدیده شد و آموخت و تا دوباره با قدرت به پا خیزد و به بن‌بست فعلی پایان دهد.

سرنگون باد جمهوری اسلامی
زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی

(از مدیای اجتماعی حزب)

مرکز آمار رژیم: نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه اسفند سال گذشته به ۸/۷۱ درصد رسید!

جمهوری اسلامی فقط بلد است آمار گرانی‌ها و بدبخت‌تر شدن مردم را بدهد. ولی هیچگاه در طول تاریخ ننگین ۴۷ ساله خود آماری از اقدامات مثبت برای مردمی که اینهم بلا به سرشان آورده نداشته است.

*فاصله تقریباً ۵۵ درصدی بین تورم خوراکی و تورم بخش پوشاک، صرفاً یک اختلاف عددی نیست، بلکه نشانه‌ای از شکل و شمایل سبد جدید خانوار ایرانی در مواجهه با تورم بالای ۷۰ درصد است.

*ثبت تورم ۱۱۲.۵ درصدی در گروه خوراکی در تقابل با تورم ۵۶.۹ درصدی پوشاک و کفش و تورم ۶۰.۸ درصدی بخش تفریح، به معنای شیف‌ت کامل تقاضا به سمت کالاهای اساسی یا عبارتی حذف کفش و پوشاک و تفریح از زندگی بخشی. از جامعه است که تا دو ماه قبل هنوز توان کوچکی برای تفریح و تهیه کفش و پوشاک داشت.

* سیاست‌های اتمی و موشکی و کمک‌های بیدریغ به نیابتی‌ها برای سر پا ماندن حکومت مایه بدبختی مردم بوده است. یا صرفاً این سیاست‌ها کرده‌اند یا بالا کشیده‌اند و صرفاً زندگی تجملی آفاده‌ها و طفیلی‌ها کرده‌اند، یا صرفاً دم و دستگاه کثیف مذهب و یا صرفاً سرکوب و غیره. این جامعه دیگر برای جمهوری اسلامی قابل اداره نیست. به آخرش رسیده است. وقت تعیین تکلیف با این سیاست‌ها و با کل حکومت فرارسیده است.

چند گزارش کوتاه

صد و شانزدهمین هفته کارزار سه شنبه‌های نه به اعدام روز سه شنبه ۲۵ فروردین، کارزار سه شنبه‌های نه به اعدام در ۵۶ زندان در شکل اعتصاب غذای سراسری تداوم یافت و خبر آن علیرغم قطع اینترنت و جنگ رسانه‌ای شد. این اعتراض علیه اعدام‌ها و برای توقف این شکل جنایتکارانه مجازات است. طبق گزارشات، در سال ۲۰۲۵ دست‌کم ۱۶۳۹ نفر در ایران اعدام شده‌اند و این عدد نسبت به سال ۲۰۲۴ معادل ۶۸ درصد افزایش یافته است. جمهوری اسلامی که خود را در خطر سقوط می‌بیند با ابزار سرکوب با برآمد دیگر از خیزش مردم مقابله میکند.

اعتراض زندانیان سیاسی و عقیدتی زندان ارومیه روز ۲۵ شهریور زندانیان سیاسی و عقیدتی محبوس در بند موسوم به «ارشاد» در زندان مرکزی ارومیه، در اعتراض به کیفیت پایین غذا، از تحویل گرفتن آن خودداری کرده و قایلمه‌های غذا را به نشانه اعتراض بازگرداندند. زندانیان این بند که تعداد آنها به ۴۹ نفر می‌رسد در این روز هنگام توزیع غذای ناهار به دلیل بوی نامطبوع و کیفیت پایین غذا از

شکست مذاکرات، چشم انداز جنگ، چه باید کرد؟

بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران

جنگ ۳۹ روزه جمهوری اسلامی با آمریکا و اسرائیل، به آتش بسی. ۱۵ روزه منجر گردید که بلافاصله مذاکراتی مستقیم، طولانی و در سطوح بالا بین آمریکا و جمهوری اسلامی را در پی داشت بی آنکه به توافقی بیانجامد. اکنون تهدید آغاز مرحله نوبتی از جنگ در حالی بر منطقه سایه افکنده است که دو طرف ضمن تهدید و رجزخوانی علیه یکدیگر در عین حال احتمال از سرگیری دور جدیدی از مذاکرات و دستیابی به توافقی را منتفی ندانسته‌اند.

موضوع اصلی دعوا و تهدید متقابل، اینبار عبور و مرور کشتی‌ها از تنگه هرمز است که در جریان جنگ اخیر توسط جمهوری اسلامی اساساً متوقف شد و عملاً به سلاح جنگی تبدیل گردید. اگر پیش از جنگ اخیر خطر دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای تهدیدی استراتژیک و بالقوه برای صلح و ثبات منطقه محسوب می‌شد، اکنون جمهوری اسلامی با بستن تنگه هرمز این مهمترین شریان صدور نفت و برخی کالاهای کلیدی دیگر، سازوکار روزمره اقتصاد جهان را به گروگان گرفته و تهدیدی فوری و بالفعل برای تمام دنیا محسوب می‌شود.

بدین ترتیب اکنون بحران بقاء جمهوری اسلامی ابعادی تماماً جهانی یافته است. رژیمی که برای سرکوب مردم ایران و بقاء خویش ۴۸ سال است مرگ بر آمریکا و اسرائیل را فریاد زده، و تروریسم اسلامی را در منطقه بسیج کرده، اکنون که ضربات سنگین همه‌جانبه و متعددی متحمل شده و حتی قتل عام خیابانی دهها هزار نفر در دی‌ماه گذشته نیز نتوانسته وحشت‌اش از تهدید انقلاب مردم را برطرف کند، چنگ به گلوگاه اقتصادی جهان در تنگه هرمز انداخته تا مگر ادامه حیات ننگین خود را تضمین کند. به عبارت دیگر باج‌گیری علنی از دنیا به اعدام، زندان، ترور، موشک، پهپاد، غنی‌سازی و دیگر اجزاء زرادخانه جمهوری اسلامی برای بقاء اضافه شده است.

این بهیچ وجه اقدامی از سر قدرت و ناشی از داشتن چشم‌اندازی روشن برای بقاء نیست. برعکس، این چنگ کشیدن به روی دنیا حکایت از اوج استیصال و بی‌افقی جمهوری اسلامی دارد. اگر کشتار و قتل عام دی‌ماه اعلام آشکار این بود که جمهوری اسلامی در برابر مردم انقلابی ایران تماماً به آخر خط رسیده و جز با اتکاء به اعدام و زندان و حمام خون قادر به بقاء نیست، اکنون با حمله به کشورهای منطقه و بستن تنگه هرمز در واقع به جهان نیز اعلان جنگ داده است. جمهوری اسلامی آخرین مراحل حیات خود را می‌گذراند. اما این رژیم ابایی ندارد که در دست و پا زدن‌هایش برای بقاء به ایران، منطقه و جهان بیش از پیش خون بپاشد. جمهوری اسلامی اکنون حکم تروریست استشهادی را دارد که تنگه هرمز را چون کمربند انتحاری به خود بسته و جهان را تهدید می‌کند که اگر بقاء اش تهدید شود ضامن را خواهد کشید.

اکنون دیگر همه جهان باید با تمام وجود در کنار مردم ایران و انقلاب‌شان برای سرنگونی جمهوری اسلامی قرار گیرد. وقایع اخیر حقیقتی که مردم ایران سال‌هاست با گوشت و پوست خود و با دست دادن بهترین فرزندان‌شان تجربه کرده‌اند را بار دیگر اثبات کرد. سرنگونی تام و تمام جمهوری اسلامی شرط اول دستیابی به صلح و آزادی و رفاه در ایران و در منطقه است.

متأسفانه یک مانع بزرگ بر سر انقلاب ایران و تلاش مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی، حمایت و برخورد اغماض‌گرانه‌ای است که جمهوری اسلامی همواره از آن برخوردار بوده؛ نه فقط از سوی قدرت‌هایی چون چین و روسیه که حامی پیگیر جمهوری اسلامی و جنایاتش بوده‌اند، بلکه از سوی بلوک غرب و آمریکا که گرچه موضع انتقادی داشته‌اند اما خواهان ممانعت از این رژیم و نهایتاً استحاله تدریجی آن به رژیمی قابل تحمل برای غرب از طریق اعمال تحریم‌های اقتصادی و غیره بوده‌اند. حتی در دو جنگ اخیر سیاست اصلی پشت جنگ از سوی آمریکا به تسلیم کشاندن و رام کردن و "تغییر رفتار" جمهوری اسلامی بوده است.

اکنون زمان آن رسیده است که تمام دنیا این واقعیت را به رسمیت بشناسد که جمهوری اسلامی هیچ مشروعیتی بعنوان دولت ایران ندارد. جمهوری اسلامی قاتل مردم ایران است و فاقد هرگونه صلاحیتی است که در هر مرجع جهانی مردم

ایران را نمایندگی کند. اگر ذره‌ای شک در این زمینه باقی بود قاعداً حمام خون دی‌ماه و اعدام‌ها و دستگیری‌های هزاران نفره در طی جنگ و حزب‌الله و حشدالشعبی چرخانی در خیابان‌ها باید آنرا مرتفع کرده باشد. در یک کلمه این‌ها مشتی آدم‌کش و جلاد هستند که برای بقاء خود نه فقط جان و زندگی و آزادی ایرانیان را به گروگان گرفته‌اند که حالا پنجه بر گلو جهان نیز می‌فشارند.

بنابراین آتش‌بس فعلی نه فقط شکننده است و هر آن ممکن است آتش جنگی پرمایه‌تر از قبل زبانه کشد، بلکه اگر هم آتش‌بس تمدید شود و حتی اگر طرفین به توافقی هم برسند، این سازش فضای جنگی و پر تنش در منطقه و احتمال جنگهای آتی را مرتفع نخواهد کرد. چرا که جمهوری اسلامی برای بقاء خود در برابر انقلاب مردم به غرب‌ستیزی، کوبیدن بر طبل اسلام سیاسی و سازماندهی تروریسم در منطقه نیاز دارد و همین زمینه‌ساز تقابل‌ها و جنگ‌های بعدی و تبدیل کردن هرچیزی به سلاحی برای بقاء خواهد بود. لذا چنانکه مکرراً اعلام کرده‌ایم سرنگونی جمهوری اسلامی شرط لازم کنار زدن سایه جنگ و دستیابی به صلح است. اما شرط کافی آن قدرت‌گیری مستقیم مردم یا همان پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی است که صلح و همکاری و برابری بر مبنای رعایت کرامت انسان را بشارت می‌دهد.

اگر جنگ ۳۹ روزه درسی داشته است این است که سرنگونی جمهوری اسلامی کار انقلاب مردم ایران است. در این میان بهترین اقدامی که آمریکا و سایر دولتها و ارگانه‌های بین‌المللی میتوانند انجام دهند نه جنگ و سازش و ممانعت بلکه، چنانکه همواره بر آن تأکید داشته‌ایم، بایکوت همه‌جانبه و طرد تمام و کمال جمهوری اسلامی از تمام نهادها و مراجع بین‌المللی است. جمهوری اسلامی باید مانند رژیم آفریقای جنوبی از جهان طرد شود و بعنوان رژیم مرتکب جنایت علیه بشریت و علیه مردم ایران شناخته و سران آن به دادگاه فراخوانده شود.

موفقیت در این راه بدون جلب حمایت گسترده افکار عمومی دنیا به مبارزه مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی و بویژه جنبش انقلابی زن زندگی آزادی ممکن نیست. بویژه باید جنبش‌های مترقی حاضر در دنیا، نظیر جنبش "نه به شاه" در آمریکا با زن زندگی آزادی در ایران پیوند و همبستگی یابند. اینها اجزاء یک کل واحد برای پاک کردن دنیا از وجود جنایتکاران حاکم است.

البته در این راه موانع جدی در برابرمان وجود دارد که لازم است بر آنها فائق آمد. بویژه تا آنجا که به وظایف حزب ما بر میگردد با دو گرایش ارتجاعی و بازدارنده که هر دو بنفع جمهوری اسلامی عمل میکنند، باید مقابله کرد. اول گرایش دفاع‌طلب و آشکار و نهان پرو جمهوری اسلامی است که از ضدآمریکائی‌گری پوسیده تحت لوای "مبارزه با امپریالیسم" و مهمتر از جنبش وسیع پاسیفیسم غیرسیاسی علیه جنگ تغذیه می‌کند. بسیاری از چپ‌های سنتی و گرایش‌های مختلف جنبش ملی اسلامی به این جریان پیوسته‌اند.

دوم گرایش جنگ‌طلب پرو ترامپ و پرو نتانیاهو است که ترامپیست‌های وطنی یعنی سلطنت‌طلبان آنرا نمایندگی می‌کنند. اینها می‌کوشند نفرت به حق مردم ایران از جمهوری اسلامی و قاتلان حاکم بر ایران را به امید بستن به ترامپ و نتانیاهو کانالیزه کنند و با شمشیر شیر و خورشیدشان مگر سر از تن انقلاب زن زندگی آزادی جدا کنند و کاری را به سرانجام برسانند که جمهوری اسلامی با دهها هزار کشته و زخمی و زندانی موفق به انجام آن نشد. این هردو گرایش عملاً هر کدام یک طرف جنگ حاضر را تقویت می‌کنند و هردو در عمل به نفع جمهوری اسلامی یعنی تداوم زمینه اصلی جنگ عمل می‌کنند. تأکید می‌کنیم، سریع‌ترین و قاطع‌ترین راه پایان دادن به جنگ و وضعیت جنگی حاضر و دستیابی به صلح پایدار همانا سرنگونی جمهوری اسلامی و پیروزی زن زندگی آزادی در ایران است.

انقلاب زن زندگی آزادی در ادامه و محصول تکامل مبارزات چند دهه مردم ایران فقط پاسخ مردم ایران به جمهوری اسلامی و جنایاتش نیست. بلکه هدیه‌ای است به دنیا و مشخصاً راه حل مردم ایران برای مقابله با خطری است که جنگ‌طلبی جمهوری اسلامی اکنون بالای سر دنیا قرار داده است. این انقلاب در ایران زنده و قدرتمند است. کافی است به اعدام‌های چپ و راستی که جمهوری اسلامی از زندانیان سیاسی در همین جنگ ۳۹ روزه انجام داد دقت کنید. کافی است به تهدیدهای علنی و وقیحانه اژهای و رادان و خط و نشان کشیدن‌هایشان برای مردم دقت کنید. کافی است تعداد کثیر و رو به تزایدی که همین روزها به جرم "جاسوسی" و "خیانت به وطن" دستگیر شدند را بشمارید. کافی است به صف ابوابش حیدر حیدرگو و ایست‌های بازرسی خیابانی

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سر دبیر: سیاوش آذری

ادیتور: کاظم نیک خواه

مسئول فنی: بابک یزدی



انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها

منتشر می‌شود



شماره حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3

Bankkontonummer: 9960264 1223793

IBAN: SE1095000099602641223793

BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli

Bankverbindung: Postbank

IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23

BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور

دیگر:

انگلیس:

Bank: NatWest

Account holder: WPI

Account number: 45477981

Sort code: 60-24-23

IBAN: GB77NWBK60242345477981

BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس

بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

KANAL JADID
کانال جدید